

به اطلاع علاقمندان درس و تعلیم رسانیده می شودی اینکه مرکز آموزشی شسنب غرض عرضه خدمات بیشتر و فراهم نمودن تسهیلات در ارتباط به آموختن علم و دانش کورس های زمستان به تخفیف ویژه در مضامین ساینسی ، انگلیسی ، خطاطی و پراوگرام های کمپیوتر با میتود جدید درس را مطابق نصاب تعلیمی جدید بر گزار نموده است ، شایقین مطلع باشند :

تماس: 0798588947 / 0795527384

آدرس : کوچه سره میاشت ، روبروی ارگان ملی جوانان و کمیسیون مستقل حقوق بشر.

اساتید: استاد الله نوری ، غلام حضرت صمیم ، گل احمد وفاق ، محمد ظاهر مومنیار و محمد عارف احساس.



ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی

بررسی مختصر مبارزات سیاسی زنان در تاریخ صد ساله اخیر افغانستان



تاریخ جهان شاهد مبارزات زنان و مردانی است که برای تثبیت هویت و بدست آوردن حقوق تلف شده خویش مبارزه نموده و کارنامه های مبارزاتی شان درج صفحات تاریخ میباشند. وقتی محرومیت های تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار میگیرد ، به اثر عوامل گوناگون ، زنان بیشتر مورد حق تلفی قرار گرفته و از حقوق مدنی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی خویش محروم گردیده اند ، عوامل تاریخی که زن را درحاشیه نگه داشته بیشتر ریشه دراستبداد تاریخی باورهای اقتدارگرایانه مردانه و بعضی برداشت های نادرست ، ازباورهای دینی و سنتهای حاکم درجامع انسانی داشته که این عوامل و عوامل های دیگر اجتماعی ، دست به دست هم داده خشونت های سیستماتیک و محدودیت های اجتماعی را علیه زنان اعمال نموده و رواداشته است.

زنان بخاطر نابرابری های اجتماعی و تبعیض های جنسیتی ، برای بدست آوردن حقوق مدنی و سیاسی شان درنقاط مختلف جهان در دوره های تاریخی ، بویژه درقرن هیجده هم میلادی مبارزات را در غرب بخصوص در آمریکا آغاز نمودند که تظاهرات زنان در این کشور در روز هشتم مارچ 1857 میلادی برای بدست آوردن حقوق و دست مزد مساوی کار و کاهش ساعات کاری زنان که ناعادلانه بود ، نمونه های بارز از مبارزات زنان در عرصه حقوق مدنی و سیاسی شان میباشد، که در واقع این تظاهرات و بعضی حرکت های دیگر درجهان درتداوم آن ، عاملی بود برای برسمیت شناختن سازمان ملل متحد درسال 1977 میلادی این روز را بعنوان "روز همبستگی زنان جهان" تاریخ جنبش های زنان درجهان با وجود دیدگاه های متفاوت مبارزاتی و خاستگاه های گوناگون اجتماعی ، مبین یک واقعیت تاریخی است ، که همه ای آنان از تبعیض ناروای جنسیتی متأثر بوده و با باورهای مختلف ، درتحقق خواسته های شان ، که دسترسی و برخورد داری از حقوق مدنی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی میباشد، مبارزه نموده اند.

وقتی تاریخ مبارزات زنان را در افغانستان مرور نماییم بخوبی درمیابیم که درتاریخ صد ساله اخیر کشور و بخصوص در دوران حاکمیت جابرانه امیر عبدالرحمان ، زنان از حقوق انسانی خویش محروم بوده اند و عبدالرحمان با صادر نمودن یک فرمان ، حق کامل نظارت زنان را به همسران شان داد و با این فرمان زنان بخشی از اموال مردان شمرده میشد. در دوره سلطنت امیر حبیب الله خان تغییرات اندکی با مداخله مستقیم خانواده طرزی که یک خانواده تحصیل کرده و متأثر از جریانات نوگرایی در حوزة امپراتوری عثمانی بود، در مورد نقش زنان در حلقهات دربار به میان آمد ، که بسبب محدود بود و تأثیری در وضعیت اجتماعی زنان بیرون از دربار نداشت. محمود طرزی سلسله مقالاتی را در جریده سراج الاخبار تحت عنوان "زنان نامور جهان" در مورد پیشرفت های زنان و نقش آنان در اجتماع به نشر رساند. مخاطبان این نشریه بیشتر حلقهات دربار و محدود کسانی بودند که در شهرها بخصوص شهر کابل زندگی میکردند. این ستون با وجود اینکه با اعتراض گروهی از خوانندگان مواجه شد هم چنان منتشر میگردد.

نخستین پایه مبارزاتی زنان که آنهم توسط مردان و شخص شاه امان الله خان بود ، در اوایل سلطنت شاه امان الله خان پیریزی گردید. که مهم ترین این اقدامات ، گشایش نخستین مکتب دخترانه ، نشر جریده ارشادالنسوان و اعزام اولین گروه دختران به خارج از کشور برای تحصیل ، و تحصیل اجباری برای دختران بود.

بعد از آن در دوره صدری داوود خان تغییرات نسبی در وضعیت اجتماعی زنان بوجود آمد . زنان با تصویب قانون اساسی در این دوره در سال 1343 هجری شمسی به حقوق مدنی و سیاسی و حق رای دهی رسیدند و در کمیته تسوید قانون اساسی برای اولین بار در وزن حضور داشت ، و در انتخابات 1344 پارلمانی چند نفر از خاتم هادرجلس راه یافتند و دو سنا تور زن در این مرحله انتصاب گردید. و اولین نهاد مدنی زنان مستقل از چارچوب دولتی ، سازمان دموکراتیک زنان که شاخه از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود در سال 1956 میلادی پایه گذاری شد. این نهاد فعالیت های را در راستای دادخواهی از حقوق مدنی و سیاسی زنان ، انجام داد که یکی از حرکت های مدنی این سازمان را میتوان راه اندازی تظاهرات مسالمت آمیز در اعتراض به مسوده منع تحصیل دختران در خارج از کشور و دریافت تضمین قانونی حضور در پارلمان در سال 1968 میلادی ، بر شمرده ، البته این نهاد بیشتر فعالیت های خویش را روی مسایل سیاسی متمرکز نموده و بیشتر فعالیت های حزبی میکردند.

در دوران ریاست جمهوری داوود خان ، با وجود فشار های محافظه کاران ، زنان در ادارات دولتی در بخش های مختلف و مناصب دولتی نقش داشته دست یافتند ، و با روی کار آمدن کودتای رژیم دموکراتیک خلق در سال 1357 هجری شمسی و با اقدامات افراطی در مورد مسایل مربوط به زنان مرحله دیگری آغاز گردید. قلمرو حکومت رژیم کمونیستی را که بیشتر شهر های بزرگ کشور تشکیل میداد ، رژیم با راه اندازی فعالیت های سمبولیک در مورد زنان ، بیشتر سطحی و غرض انگارانه و تقلیدی به این مسایل مینگریستند ، تا واقع بینانه و بنیادی ، تشکیل گروه های اجتماعی زنانه به هدف حمایت از انقلاب هفت ثور و عضویت اجباری دختران مکتب در سپاه انقلاب و مدافعین انقلاب ، خود بیانگر این واقعیت میباشد .

در دوران مجاهدین با جنگ های ذات البینی که در کشور بوقوع پیوست ، مجال پرداختن به مسایل حقوق زن و نقش آنان در تعیین سرنوشت شان و چگونگی سهم آنان در حکومت ، پیش نیامد ، البته رهبران جهادی و سران مجاهدین دیدگاه های متفاوتی در رابطه به این موضوع و نسبت به حقوق زنان داشتند ، بعضی از رهبران مجاهدین همانند گروه تند رو طالبان دیدگاه افراطی و بنیادگرایانه نسبت به زنان داشتند که حتا مخالف نطایقی و حضور آنان در رادیو تلویزیون بودند ، و برخی دیگر از رهبران مجاهدین برخورد میانه روتری نسبت به زنان داشتند . با آنهم در این دوره انواع خشونت روانی و فیزیکی بر زنان رواداشته شد ، گروه های متخاصم درگیر با دیدگاه های ایدئولوژیکی ، قومی و ستمی بدترین انواع شکنجه ها و خشونت را بر زنان اعمال کردند. در دوران سیاه طالبان زنان از کوچکترین حقوق انسانی برخوردار نبودند ، حق تعلیم و حق تحصیل که یکی از حقوق اساسی که اسلام آن را بر رسمیت شناخته توسط این گروه متحجر ، نقض شد . مکتب و مؤسسات تحصیلات عالی بروی دختران و زنان مسدود گردید ، حق کار و حق دخالت در مسایل سیاسی و اجتماعی از آنان سلب شد ، در تاریخ صدساله افغانستان بدترین شرایط خفقان آور را زنان در دوران حکومت جابرانه طالبان تجربه نمودند ، ولی با تاسف باید گفت که هیچ گونه حرکت و عکس العمل از سوی زنان در این دوره بوقوع نپیوست .

بعد از روی کار آمدن حکومت موقت و انتقالی به ریاست آقای کرزی و بعد از تصویب قانون اساسی جدید در سال 1382 هجری شمسی زنان جایگاه نسبتاً شایسته در قوانین افغانستان پیدا نمودند. زنان در پست های مهم دولتی و سازمان های اجتماعی با استفاده از فرصت های پیش آمده قرار گرفتند ، و وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر بعنوان یک وزارت پالیسی ساز در امور زنان و بعنوان یک نهاد ناظر به مسایل حقوق بشر به خاطر آسیب پذیری زنان ، کارهای را در دادخواهی از حقوق زنان انجام دادند و نیز نهادهای جامعه مدنی و سازمانهای مدافع زنان ، مدافعین و فعالین حقوق بشر ، تلاشهای زیادی انجام داده اند که توشیح قانون منع خشونت توسط رییس جمهور ، میتواند یکی از دست آورد خوبی فعالیت این نهاد ها باشد . دست آوردهای که در بالا ذکر گردید همه حرکت های از بالا به پایین اند ، در این میان جای خالی یک نهضت و یک جنبش خود جوش زنانه که بتواند نمایندگی از تمام زنان فعال افغانستان نماید ، بسیار محسوس میباشد. آنچه که برای تداوم این مسایل و تحقق عینی و نهادینه شدن آن در جامعه ضروری به نظر میرسد ، بلوغ فکری و رشد بینش سیاسی زنان است ، که با ایجاد بستر مناسب در بین تمام زنان ویا اکثریت زنان کشور ، در راستای دادخواهی از حقوق مدنی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی با در نظر داشت واقعیت ها و حساسیت های اجتماعی ، تلاش ورزند و فعالیت نمایند.

هنوز هم در کشور مثل افغانستان راه درازی در پیش است تا زنان بتوانند حضور خود را در صحنه های سیاسی و اجتماعی متبلور سازند با وجودیکه قانون اساسی مدافع حضور آنان در این راستا میباشد. بدون در صحنه تبارز نمودن زنان فعال در عرصه های مختلف اجتماعی ، فعالیت های مقطعی و بعضاً سمبولیک راه بجای نمیبرد.

سال دوم شماره سیزدهم قوس 1391 مطابق دسامبر 2012

سروی دیموگرافی - اوضاع اجتماعی و اقتصادی غور

هدفمند



با در نظر داشت کمک های ده ساله جامعه جهانی ، در سکتور های معارف ، صحت ، امنیت ، تعلیم و تربیه ، کار و زراعت ولایت غور توجه بنیادی صورت نگرفته است . مسئولین احصائیه مرکزی کشور در سفری که به هدف افتتاح کار سروی دیموگرافی در غور داشتند ، در نشست خبری به رسانه ها گفتند ؛ کار های انجام شده اجتماعی و اقتصادی ده سال اخیر جامعه جهانی و دولت در ولایت غور و ولایات همانند آن پروژه های رو بانی یک بار مصرف بوده که مشکل اجتماعی و اقتصادی مردم را حل نکرده است .

منطق طرز و دید مسئولین احصائیه کشور در باب عدم توجه جامعه جهانی برای ساختن زیر بنا های امنیتی ، حکومتداری ، صحتی و تعلیم و تربیه در ولایات مانند ولایت غور ؛ این است ؛ مراجع که می خواهند در این سکتور ها سرمایه گذاری کنند ؛ نیازمند معلومات دقیق و کامل از تعداد نفوس و میزان دسترسی مردم به عرضه خدمات صحتی ، امنیتی ، کار ، حکومتداری ، زراعت است . متأسفانه این نوع معلومات از ولایت غور توسط هیچ مرجعی تهیه نشده است که به دسترس جامعه جهانی قرار داده شود تا توجه دوتنر به این استقامت سوق داده شود و با مطالعه معلومات کامل بصورت منظم و دقیق در این سکتور ها سرمایه گذاری شود ، زیرا منابع تمویل کننده بدون معلومات کافی در این سکتور ها سرمایه گذاری نمی کنند ، به این دلیل که نیازمندی های مردم افغانستان بسیار زیاد است ، مسئولین و مردم هر ولایت که معلومات لازم را در اختیار جامعه جهانی قرار دهد ؛ جامعه جهانی توجه دوتنر ها را به همان طرف سوق می دهند .

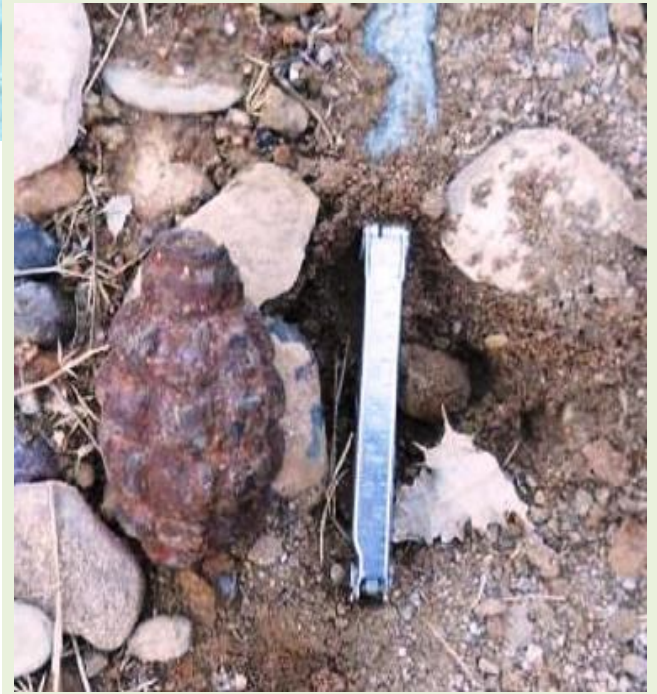
مسئولین اداره احصائیه کشور در نشست با خبرنگاران ولایت غور داشتند مدعی شدند که اداره احصائیه کشور این مشکل را در افغانستان درک کرده و با راه اندازی « سروی دیموگرافی » در چند ولایت که غور را هم شامل می شود « بانک اطلاعات » را از تمام نیازمندی های اجتماعی و اقتصادی ، میزان دسترسی مردم به خدمات که توسط دولت عرضه می شود و تعداد نفوس ولایات تحت پلان جمع آوری نموده و در اختیار دولت افغانستان ، جامعه جهانی و دوتنر ها قرار داده شود تا با اتکا به معلومات دقیق در تمام سکتور ها بصورت منظم سرمایه گذاری شود و مردم ولایت غور از وضع اقتصادی و اجتماعی نامطلوب حاکم نجات یابند . سروی دیموگرافی در ولایت غور در نیمه های سال جاری انجام یافت اما نتایج آن تا هنوز اعلان نگردیده است . قابل ذکر است که ولایت بامیان نیز شامل این سروی بوده و اطلاعات جمع آوری شده شامل نیازمندی های اجتماعی و اقتصادی ، تعداد نفوس ، میزان دسترسی مردم ولایت بامیان به خدمات که توسط دولت عرضه می شود و دست آورد های ده سال اخیر به عنوان نتیجه کار سروی قبلاً اعلان شده است .

این را که سروی دیموگرافی برای آوردن تغییرات مثبت در اوضاع اقتصادی ، اجتماعی ، صحتی ، معارف ولایت بامیان چقدر کار ساز و موثر واقع شده و خواهد شد ؛ مباحث است متعلق به مردم ولایت بامیان.

اما آنچه باعث بروز خشم و انزجار مردم ولایت بامیان شد که ممکن در ولایت غور تکرار آنرا شاهد باشیم ؛ اعلان تعداد نفوس مردم ولایت بامیان بود به عنوان بخشی از دست آورد های سروی ؛ زیرا تعداد نفوس مردم ولایت بامیان به اساس سروی اجتماعی اداره احصائیه دولت (368395) اعلان شد و باعث شد تا مردم ولایت بامیان این قضاوت را به هویت کشی تعبیر کنند و در مقابل آن به خیابان ها بریزند ، زیرا مردم ولایت بامیان مدعی شدند که منابع و مراکز ملی و بین المللی همانند برنامه همبستگی ملی ، سازمان ملل متحد و برنامه واکسیناسیون ملل متحد ، نفوس تقریبی بامیان را قبلاً بین 650000 الی 750000 نفر تخمین نموده اند .

حال سروی دیموگرافی که در ولایت غور انجام یافت ممکن بانک اطلاعات دقیق را در اختیار دولت افغانستان و جامعه جهانی قرار دهد و باعث شود تا دست مردم ولایت غور گرفته شود و احاد مردم از وضع قرون وسطایی- نابسامان و نامطلوب حاکم نجات یابند که امیدوارم چنین شود . و اما نظر به فعالیت های سروی کننده باور دارم که بحث اعلان تعداد نفوس مردم ولایت غور به عنوان بخش از کار های این سروی همانند ولایت بامیان منجر به عدم رضایت مردم خواهد شد ، زیرا تا هنوز تعداد نفوس ولایت غور 700000 - 800000 گفته شده است و نظر به پهناور بودن جغرافیای این ولایت مسئولین اداره محلی تعداد نفوس مردم غور را بیش از 1000000 یک میلیون عنوان می کنند . و اما از این بابت که در پروسه سروی معمولاً افراد جذب شده بودند که نظر به مشکلات امنیتی ، صعب العبور بودن راه ها و عدم درک اهمیت بحث نفوس رسالت و مسؤلیت خود را در برابر مردم ولایت غور و اداره احصائیه به درستی انجام نداده اند ، اکثریت فورم جات را در خانه های خود خیالی خانه پری نموده اند ، چنانکه سهل انگاری - بی تجربه بودن آنها باعث شده است تا مسئله طی مراحل اسناد سروی مدت زمان زیاد را در بر گیرد و اداره احصائیه هیچ نوع معلوماتی را از پیشرفت ها و دست آورد ها در اختیار رسانه ها و مردم ولایت غور قرار نداده است ، در اوایل کا قول از این قرار بود که رسانه ها فعالیت ها و پیشرفت ها را مرحله به مرحله به مردم گزارش دهند ، اما از آغاز کار تا هنوز کل و جزء کار پشت پرده است ، از همین رو زمزمه های شنیده می شود که نتایج کار احصائیه در باب تعیین نفوس ممکن در ولایت غور نیز به هویت کشی تعبیر شود .

عملیات مشترک اردوی ملی افغانستان و تیم مشوره دهی نظامی



کندک اردوی ملی افغانستان و تیم مشوره دهی نظامی MAT – تیم پی آر تی مقیم ولایت غور یک گزومه مشترک را بخاطر بهبود وضعیت امنیتی در 11 دسمبر 2012 اجرا نمودند. تولی اردوی ملی افغانستان متشکل از قطعه سیار، عناصر تقویوی و تیم ماین پاکی در جنوری سال 2011 به ولایت غور اعزام گردید و فعلا تولی به کندک گسترش یافته است. هدف اصلی نیروهای ملی امنیتی افغان بهبود وضعیت امنیتی در ولایات می باشد. اردوی ملی افغان که قسمتی از نیروهای ملی امنیتی افغان را تشکیل می دهد، نیروهای قانونی می باشند که وظیفه شان تامین امنیت می باشد. این عساکر برای آزادی و برقراری صلح در افغانستان می رزمند، آنها افغان های اند که برای حمایت افغان ها و افغانستان بر خواسته اند. اشتراک به عملیات مشترک فرصت مناسب برای آماده سازی، توانایی و تمایل عساکر کندک اردوی ملی جهت تامین امنیت می باشد. پروسه انتقال روند خود مختار و حاکمیت به خود افغانستان می باشد، این روند شامل چالش ها می باشد، اما تیم های PRT بخش از ISAF برای حمایت مردم افغانستان و همکار های دیگر به ولایات مقرر شده اند.

ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان

درآمدی بر حقوق سیاسی زنان



اصطلاحات کلیدی: حقوق سیاسی زنان، زنان، حقوق سیاسی

چکیده مطلب: این مقاله دربردارنده پیشگفتار، بیان مسئله و سوال های گفتار، ضرورت گفتار، سابقه و ضرورت تحقیق، اهمیت جستار، هدف تحقیق، تعاریف و معانی حقوق سیاسی زنان، معانی حقوق، تعریف حقوق سیاسی، دامنه و مصادیق حقوق سیاسی زنان، مشارکت سیاسی زنان، مصادیق حقوق سیاسی زنان و رابطه حق و تکلیف می باشد.

پیشگفتار

این مقاله با رویکرد آموزشی به رشته تحریر درآمده است، توقعی که از این نوشته می رود، آموزشی بودن آن است. ریتم کار این مقاله طوری است که عموم مردم بتواند از آن سود ببرد. تمرکز مقاله بر معانی و تعاریف حقوق سیاسی زنان استوار است. تلاش بر این است تا درآمدی باشد بر تمام مباحث حقوق سیاسی زنان.

بخش اول- کلیات

بیان مسئله و سوال های گفتار

سوالی که در ذهن ها خلق می شود چیستی حقوق سیاسی زنان است. در این چیستی جستجوگر تلاش می کند که روحیه تشنه خویش را با طرح سوال ها و جستجوی پاسخ ها سیراب کند و بدین وسیله عطش خود را فرو بنشاند.

ضرورت گفتار

تحریر مباحث حقوق سیاسی و ابعاد آن می تواند دید جامعه افغانستان را نسبت به قالب های حقوق بشری و مصادیق آن غنایمند بسازد. خصوصاً طرح مباحث با رویکرد منسجم از تشنت و پراکندگی مبحث جلوگیری می کند.

سابقه و ضرورت تحقیق و اهمیت جستار

نویسنده در این مقاله که می خواهد مبحث خویش را با روش تحقیق به پیش ببرد، ناگزیر به سابقه موضوع حاضر می پرداخت تا از طرح تکراری بحث جلوگیری می شد؛ اما نبود مرکز تحقیقی یا مرکز منابع ولایتی بامیان که محقق دسترسی غنی و کامل به منابع داشته باشد، باعث شده است تا نتوانم راجع به سابقه بحث مذکور ادعایی داشته باشم.

هدف تحقیق

هدف از این تحقیق شناخت از معانی و مفاهیم حقوق سیاسی زنان است. خواننده و یا علاقمندان به مطالعه حقوق سیاسی نیازمند تبیین و شناخت تعاریف و معانی حقوق سیاسی زنان می باشد؛ بنابر این هدف از این نوشتار یا جستار شناخت دقیق تر حقوق سیاسی زنان می باشد.

بخش دوم

تعاریف و معانی حقوق سیاسی زنان

معانی حقوق

تبیین معانی و تعاریف حقوق زیربنای بحث حقوق سیاسی زنان است. روی این مبنا حقوق جمع حق است. این کلمه در حالت جمع خود، دارای دو معناست: یا به معنای مجموعه ای از مقررات اجتماعی و نظام حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی شهروندان یک کشور است که در این صورت از سوی مقام های صلاحیتدار وضع شده و اجرای آن تضمین شده است و هدف آن ایجاد نظم عمومی و امنیت است. حقوق در این معنی فقط به صورت جمع به کار می رود و مقصود از آن دانشی است که از قواعد و قوانین حاکم بر جامعه و حقوق و تکالیف اشخاص بحث می کند.¹ و حقوق در معنای دیگر عبارت است از مجموعه امتیازات و توانایی هایی که برای هر شخص به رسمیت شناخته شده و دیگران به رعایت آن مکلف می باشند؛ مثل حق حیات و حق آزادی و تعلیم و تربیت. در این تعریف حقوق به معنای اختیاری است که به منظور انجام دادن کاری به فرد یا اجتماع محول می شود.¹

تعریف حقوق سیاسی

حقوق سیاسی، عبارت از حقی است که انسان بتواند در زندگی سیاسی اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران، مقامات سیاسی شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل آید و یا در مجامع آزادانه عقاید خود را به خوبی ابراز کند.¹

دامنه و مصادیق حقوق سیاسی زنان

حقوق سیاسی زنان از نظر مصادیق و دامنه شامل مواردی چون حضور زنان در انتخابات و مدیریت سیاسی، حقوق اجتماعی آنان شامل اشتغال، تامین اجتماعی، بهداشت و درمان، حقوق فرهنگی شامل آموزش رسمی و غیر رسمی و فعالیت های هنری و مطبوعاتی، می شود.

مصادیق حقوق سیاسی زنان

اسناد حقوقی چه ملی و یا بین المللی اظهار می دارد حقوق سیاسی که زنان را تحت اثر قرار می دهد، عبارتند از رأی دهی زنان با مردان به طور مساوی بدون هیچ نوع تبعیض، صلاحیت انتخاب شدن زنان برای تمام هیات های منتخب عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند در شرایط برابر با مردان بدون هیچ تبعیضی، صلاحیت تصدی زنان در سمت های عمومی و ایفای تمام وظایف عمومی که توسط قوانین ملی ایجاد شده اند در شرایط برابر با مردان، بدون هیچ تبعیضی، سیر و سفر، حق خروج از کشور، حق ایجاد حلقات و تشکل های سیاسی و امثال آن ها.

مشارکت سیاسی زنان

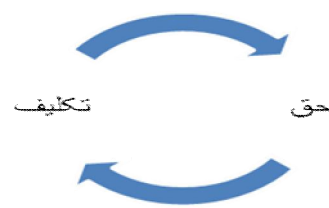
مشارکت سیاسی زنان یا حق فعالیت آزاد آن ها به عنوان بخشی از جامعه در انتخاب حکام و تعیین سیاست ها و قوانین و تصمیم گیری های مؤثر زندگی جمعی، امری مقبول در جهت کارآمد نمودن نظام اجتماعی و سیاسی است.¹

رابطه حق و تکلیف

حق به معنای امتیاز و توانایی های فردی است. حق سیاسی نیز امتیاز و توانایی های فردی را دربر می گیرد. در صورتی که هر حقی به معنای امتیاز و توانایی فردی باشد، مستلزم تکلیف است. حق و تکلیف دو کفه ترازو است. حق به معنای امتیاز و توانایی های فردی مستلزم تکلیفی برای فرد یا افراد دیگر است و دیگران موظف به رعایت این حق برای آن فرد می باشند. پس هر حقی در درون خود مساوی با تکلیفی برای رعایت همان حق از سوی دیگران می باشد.

نمودار حـ ق و تکلیف

و تکلیف نوعی الزام است که به فعل یا ترک فعل مربوط می شود و رابطه ای متقابل با حق دارد. هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم حقی است. در این کفه ترازو، زنان، دارای امتیازاتی چون حق سیر و سفر، حق اشتراک در پروسه اداره عامه، حق تشکیل اجتماعات، حق داشتن تشکل ها و احزاب سیاسی، حق مشارکت سیاسی، حق داشتن آزادی بیان و آزادی عقیده و ... می باشد. در طرف دیگر مردم مکلف هستند تا این حقوق را رعایت کنند. چنانچه اگر رعایت نکنند نمودار زیر مصداق پیدا می کند:

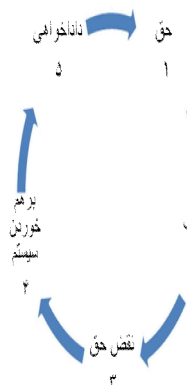


فـ راینـ د نقض حقـ وق سیـاسی

در چرخه فوق فرایند پنج مرحله ای شکل می گیرد که در نهایت مسئله دادخواهی حقوق سیاسی زنان تبارز می یابد. در این تبارز، چیدمان حق و تکلیف از بین رفته در نتیجه مستلزم اعاده حق و تکلیف خواهیم بود.

نتیجه گیری

نتیجه این می شود که حقوق سیاسی امتیازاتی است برای هر شهروند کشور که مستلزم برخورداری از آن امتیازات می باشد. به بیان دیگر زنان افغانستان بر اساس توانایی های فردی دارای حق و یا امتیازی است که حقوق سیاسی خوانده می شود. هرگاه بخواهند توانایی های خویش را به فعلیت درآورند، سایر شهروندان مکلفیت دارند تا به این حقوق احترام بگذارند. احترام گذاشتن بدین معناست که زنان را از حقوق سیاسی شان منع نکنند یا مانع ایجاد نکنند یا مرتکب نقض نشوند. آن هم به خاطر جنسیت شان. فرجام سخن اینکه اگر نقض حقوق سیاسی زنان صورت گیرد زمینه های دادخواهی پیش می آید.



صاحب امتیاز: عبدالخیر مرادی 0794436779
 Abdul Khair.Moradi @Hhtml.com
 مدیر مسئول: غلام ربانی هدمند 0797244300 / hadafmand.25@gmail.com
 معاون مدیرمسئول: محمود خادمی 0791924433
 سردبیر: محمد آصف نالان / 0797594063 / Asif.eccghor@gmail.com
 معاون سردبیر: میر آقا ساید / 0797968944 / said514@yahoo.com
 ویراستار: نیاز محمد نیازی / 0798423831 / niaz_2008@yahoo.com
 گزارشگر: میسم «شاهین» سفدر وکیلی، محمد حنیف قاضیزاده و زمان الدین فروزانفر.
 هیئت تحریر: محمد یونس فانوس، شاه محمد دهمزاد، نور الله نوری، حسین علی «خاموش» گل محمد طارق، محمد شاه شایق
 طرح و دیزاین: هدمند
 محل چاپ: چاپخانه قادری کابل - افغانستان. تیراژ / شمارگان: 2000

شنسب از قلم به دستان محترم آرزومند است که با ارسال مطالب مستند خود ما را یاری رسانید، شنسب در ویرایش مطالب دست باز دارد، مسؤلیت مقالات چاپ شده به استثنای سر مقاله به دوش شنسب نیست. اداره ماهنامه شنسب

دعوی مکتب های جیبی

فضل الحق نجات



در ولایت غور جای و محل که ضرورت میرم است تا تعلیم و تربیه فراگیر به مردم و اولاد این سر زمین محیا گردد و مردم غور از نعمت سواد . خواندن و نوشتن بهره کامل داشته باشند . اما با وصف که عده خود را عالم وکیل مردم و قوماندان جهاد و مقاومت میدانند در این امر مقدس و پاک به متصدیان امور (اعضای ریاست معارف) - معلمین و ادارات مکاتب - و اولیای شاگردان و اطفال معصوم که ضرورت دارند تا بیاموزند و ازین ورته هلاکت که همانا بی سوادی و عدم فهم دانش است نجات بیابند همکاری نمیکنند . نه اینکه همکاری ندارند وسیله کدام وکیلی و بوسیله آدم صاحب قدرتی و به هرنحوی شده مکتب را پیشنهاد نموده واز مقامات ذیصلاح امر منظوری و فعال سازی مکتب را گرفته اند و از وضعیت بد حاکم در جامعه ما که همه به ستوه آمده ایم کلان استفاده نموده اند مکتب را به جیب و شاقه و نتایج را به قسم از اقسام به وسیله کسی وکسانی جور می کنند و به ریاست معارف تسلیم می نمایند و مدت هاست این گونه معامله رواج داشته بوده است. نه اینکه به شاگردان توجه داشته باشند معاش و امتیازات اداره مکتب را خود ها حیف و میل میکنند که واقعا هم به ملت و مردم وهم به دارای دولت ضربه کاری را وارد نموده اند که ازین قبیل افراد و اشخاص توقع داریم دیگرنه بخود و نه به مردم و نه به دولت جفا نمایند . درین مدت که در ریاست معارف ولایت غور کار می نمایم بسیار از این گونه خلاف کاری ها را دیده و به منظوری جلوگیری توصیه ها اقدامات را انجام داده ام که جای تاثیرات خود را داشته بوده است .

یک تن از شخصیت های بزرگوار و منسوب یکی از ادارات ارشد دولتی ولایت غور مکتب جیبی را توسط یکی از وکلای ولایت غور به پارلمان منظوری گرفته بود و چند سال امتیازات مکتب را همین طور شخصی گرفته است ؛ به بسیار برادری و با تضرع تمام و به تعظیم گفتیم که شما بلند ترین معاش دولتی را می گیرید ، به اندازه اداره شما هیچ اداره برای منسوبین خود حقوق و امتیازات قانونی نمی پردازد ؛ اکنون اگر انصاف بکار برده شود معاش شما مصرف خانه شمار را تکافو می کند و بچه های که در مکتب جیبی شما ثبت نام هستند ، اگر تعداد آنها کم باشد به مکتب جوار خود ملحق شوند و اگر زیاد هستند بگذار معلم برود کتاب قلم توزیع گردد درس به بچه ها داده شود تا چیزی بیاموزند که این بالای عظیم از خانه و کاشانه مردم ما رخت بر بندد اما تضرع من کاری گر نیافتاد . بالاخره بجناب محترم (...) صاحب گفتیم اگر دوباره اصلاحات بوجود نیآوری و من به ریاست معارف باشم دیگر امتیاز به هیچ وجه به شخص شما اجرا نمی کنم . مدت سپری شد که مراجعه نکرد تا روزی از روزها همکار خود را تحت نام روابط قومی داخل دفتر کارم کرد در حالیکه کاغذ امضا شده داشت تا طبق قانون اجراء صورت می گرفت با دیدن کاغذ و نام مکتب شخصی (... صاحب) گفتن برادر محترم مکتب وجود ندارد و ما بمنظور در یافت حقایق از منطقه و موجودی شاگرد و معلم اعضای نظارت تعلیمی ریاست معارف را در آن منطقه اعزام نموده ایم و به باقی آن قوم که تعداد زیاد شان مکتب شخصی ومکتب وکیلی و مکتب قوماندانی و مکتب قضائی دارند مجلس کرده ایم و گفته ایم تا زمانی که اعضای نظارت از وضعیت موجوده مکاتب منطقه و از موجودیت شاگرد در مکتب واز نحوه فعالیت معلمین درمکتب واز اساس و نتایج - شاقه - وکتب حاضری معلمین مشاهده و نتیجه مشاهدات خود را تسلیم ریاست معارف نکنند ما از طریق ریاست معارف به این گونه مکاتب تحت الجیب وکیلی امتیاز داده نمی توانیم ، دلایل من به نظر (...صاحب وسیله) قانع کننده واقع نگردیده. با عصبانیت تمام گفت تو راضی نیستی چهار رویه به جیب مردم غور بریزد که واقعا بسیار برای من گران تمام شد برایش گفتیم برادر محترم حلال و حرام وجود دارد یا خیر؟ وجدان سالم در سر زمین ما وجود دارد یا خیر ؟ این کلمات من به جناب شان بسیار گران تمام شد و برایم به لحن بسیار غضب آلود گفت تنها تو مسلمان هستی و غضب آلود شعبه را ترک گفته و از اداره با خشم خارج شد . بعدا فکر کردم من چه جرم را مرتکب شدم که جناب (... صاحب) اینقدر بر آشفته و غضب آلود اینقدر با لحن خشم آلود برایم حرف های نا شایسته گفت . به این عقیده خود را تسلی دادم که البته منافع شرین است اگر حلال باشد یا حرام حق داشت از حق که به هر نحو گرفته می شد محروم شدن سخت است حق بجناب است بمن نا سزا بگوید . به صورت که به کشیدن این همه زحمت وگوش گرفتن این همه نا سزا از جانب بزرگان چاره ما چه است ؟ مجبوریم سر و کار به مردم داریم شاگردان و ارتقای ظرفیت ایشان از اهداف ما است لایذ همه رنج و تکلیف را به عهده بگیریم و لو اگر سخن شنو در جامعه نباشد و سخن ما به نظر شان طفلانه تلقی شود، بقول شاعر که میفرماید

ادیب این دبستانم سرو کارم به طفلان است بزرگان را چه نقصان گر سخن طفلانه میگویم این همه رنج ها وزحمتا به خاطر اطفال معصومی که باید از بودجه خود شان خود شان استفاده نمایند به جیب من وامثال من و وکیل ، قوماندان ، قاضی و ارباب تفنگ بدوش و صاحب رسوخ محل نرود دست و پا می زینم و حرف من به ایشان طفلانه محسوب می شود . بد بختانه که این همه تلاش ما به نظر عده بازی به منافع شان تلقی شده در صدد تخریب ودر صدد نا سزا گونی و به جدال های قومی تلقی می شود که از خداوند خیر انصارین با دست دعا نیازمندم خداوند همه ما وهمه صاحبان و کل اختیاریان تصنعی قوم را به برکت دعا حضرت سرور کائنات که فرمودند و به خدا التجا نمودند خدایا هدایت کن قوم مرا که ایشان نمی دانند هدایت را نصیب همه ما به لطف وکرم خود بنماید . ما را در جاده صراط المستقیم که غایت زنده گی همه ماست رهنمون وراه یاب گرداند.

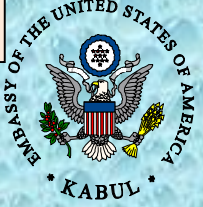
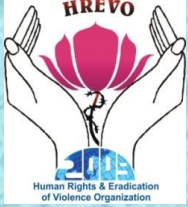
زنده گی نامه مرحوم انجنیر عبدالطف احمدی



مرحوم انجنیر عبدالطف احمدی فرزند ملا احمد درسال 1340 هجری شمسی دریک خانواده مسلمان و متدین دیده به جهان هستی گشود. احمدی در سال 1347 شامل مکتب متوسطه بادگاه مربوط مرکز ولایت غور گردید و تا صنف نهم ادامه تحصیل داد . مرحوم احمدی درسال 1357 بعد از سپری نمودن امتحان شامل صنف نهم حربی شونجی کابل گردید و تحصیلات دوره مکتب خود را تا صنف دوازدهم به پایان رسانید. احمدی تحصیلات عالی خود را در اکراین سپری کرد و در رشته انجنیری تکنالوژی معلوماتی و مخابراتی ماستری خود را به دست آورد. مرحوم احمدی بعد از پایان تحصیلات در مربوطات وزارت دفاع ملی کشور استخدام گردید و تا سال (1372) هجری شمسی خدمت نمود. احمدی درسال "1375" هجری شمسی به پشاور پاکستان هجرت کرد و بعد از سپری کردن دو سال از آنجا در کشور هالند هجرت نمود سرانجام مرحوم احمدی ساعت 4:40 دقیقه عصر روز یکشنبه 26 قوس 1391 به اثر مریضی که عایدحالش گردیده بود داعی اجل را لبیک و جهان فانی را وداع گفت.

ارتقای ظرفیت و دادخواهی از حقوق سیاسی زنان

نگاهی به حقوق سیاسی زنان



اصل تساوی عموم در مقابل قانون و بر خورداری همه ای افراد ملت اعم از زن و مرد از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، این توقع را به وجود می آورد که زنان همانند مردان، حق مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی و مدنی خویش و اعمال حاکمیت ملی را دارا باشند.¹

باآنکه تحول فکری و رشد اجتماعی در حدی است که ارزش های متعالی انسانی جایگزین بسیاری از نظامهای مذموم گذشته شده، تبعیض بین زنان و مردان هنوز آنچنان است که حتی در کشورهای پیشتاز تمدن نوین در برخی از موارد حقوق سیاسی و احوال شخصیه زنان در وضع چندان مساعدی قرار ندارد. به هر حال تحول حقوق زن، در کنار سایر تحولات اجتماعی، امروزه مسیری را طی می کند که در آن، رفع تبعیض و تمایز بین زنان و مردان آرمان اصلی است و جوامع وگرایش های مختلف در توجه به این قضیه به مسابقه نشسته اند.

قوانین بین المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر حیثیت برابر افراد انسانی از جمله زنان همانند مردان و برخورداری همگان از کلیه حقوق و آزادیهای انسانی را بدون هر گونه تبعیض (از جمله تبعیض جنسی) مورد توجه قرار داده است.² در هر دو میثاق بین المللی حقوق بشر (مدنی و سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) نیز تعهد کشورهای عضو نسبت به محترم شمردن حقوق افراد بدون هیچگونه تمایز جنسی و تنفیذ این حقوق در قوانین اساسی داخلی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان در کنوانسیون 1979 که در آن، تبعیض نسبت به زنان به هر شکل محکوم شده، برای احیای حقوق زنان دستورات مشخص را جزء تعهدات دولتها قرار داده است.³

در افغانستان با فراز و نشیب های در عرصه ای حقوق زن، باتصویب قانون اساسی اخیر؛ باپیشرفت میثاق های بین المللی که عنوان است، مارا در مقطع قرار میدهد که بر خلاف گذشته؛ در آن، به زنان در تمام عرصه ها، بویژه در عرصه های مدنی (فرهنگی و اجتماعی) تثبیت شده است. و زنان می توانند در زمینه های فرهنگی و اجتماعی سهم شونده نقش فعال در توسعه این عرصه ها داشته باشند. از مهم ترین این حقوق، حق تحصیل است که قبلا در عمل وجود نداشته، طوریکه در قانون اساسی افغانستان تصریح شده که "تعلیم حق تمام اتباع افغان است"⁴ می بینیم که بدون محدودیت جنسی هر تبعه ای افغانستان اعم از مردوزن حق تعلیم و تحصیل را دارد. حق دیگری که مهم جلوه میکند در عرصه ای اجتماعی حق کار است، قانون اساسی صراحت دارد که "کار حق هر افغان است"⁵ باز هم می بینیم که همه ای اتباع کشور اعم از زن و مرد از حق کار به صورت مساوی بر خوردار است یعنی هیچ محدودیت در زمینه کار به زنان وجود ندارد و زنان هم می توانند مثل مردان در عرصه های اجتماعی کار کنند. نه تنها محدودیت در این زمینه برای زنان وجود ندارد بلکه در موارد خاص از حمایت های بسیاری بر خوردار است؛ در مورد شرایط کار⁶ . و همچنان در سایر بخشهای مدنی و فرهنگی...

در ارتباط به مشارکت سیاسی زنان، زنان که نیمی از پیکر جامعه ای انسانی را تشکیل می دهند ، در طول تاریخ در تمام عرصه های حیاتی نقش اساسی را دارا بوده که مداخله آنان در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فراز و فرودهای زیادی را در قبال داشته، روی هم رفته بر می گردد به جوامع که این موجود هستی در آن زیست داشته که برخی از این جوامع ، جامعه ای باز بوده که مداخله آنان را منحصبت بک کلید اساسی در تمام عرصه های اجتماعی، سیاسی قلمداد نموده که با استفاده از حق انتخاب کردن، انتخاب شدن، فراهم سازی زمینه های آموزش و بالا بردن آگاهی های سیاسی توانسته که همگام با مردان به پیش روند. اما برخی جوامع بشری، جامعه سنتی بوده که موانع عمده فراروی مشارکت آنان را در تمام این عرصه های توان تغییر به سنت ها، آداب و رسوم جامعه مرد سالار پایان بودن سطح فرهنگ و دانش می توان یاد آور شد.

منابع بین المللی، ضمن تأکید برحق دسترسی تمام افراد، با شرایط مساوی، به مشاغل عمومی،⁶ تبعیض بر مبنای جنسیت را ممنوع اعلام می دارند. کنوانسیون حقوق سیاسی زنان مصوب 1952 اولین متن اختصاصی است که حق انتخاب کردن، انتخاب شدن و عضویت در مؤسسات ایجاد شده از طریق انتخابات عمومی و اشتغال به مناصب سیاسی را برای زنان در شرایط مساوی با مردان، پیش بینی کرده است. کنوانسیون که تمام اشکال تبعیض علیه زنان را حذف میکند کنوانسیون 1979 است، با گنجاینیدن مفاد اصلی کنوانسیون حقوق زن (1952) اعلام می دارد که "دولتهای عضو تمام اقدامات مقتضی را برای حذف تبعیض علیه زنان در حیات سیاسی به عمل خواهند آورد و بویژه حقوق ذیل را در شرایط برابر با مردان برای آنان تضمین خواهند نمود: "1- مشارکت در تمام انتخابات و همه پرسن های عمومی وحق انتخاب شدن در سازمان هایی که از طریق آراء عمومی در تمام سطوح دولتی؛ 2- مشارکت در تدوین سیاست دولت و اجرائی آن، تصدی مناصب عمومی و انجام کلیه اعمال عمومی در تمام سطوح دولتی؛ 3- مشارکت در سازمانها و انجمنهای غیردولتی مرتبط با زندگی سیاسی و اجتماعی کشور"⁷

اما در افغانستان باسپری نمودن بستری جامعه ای بسته وگذار از آن به بک جامعه ای باز در مسیری قرار گرفته ایم که تقریباً منطبق با شرایط جامعه ای باز بوده. شرایط که در بک جامعه ای باز مطرح است در قانون اساسی اخیر افغانستان، که انعکاس دهنده ای عقاید مردم این کشور بوده مورد تأیید قرار گرفته در این صورت آزادی های سیاسی برای زنان برخلاف گذشته تثبیت شده و زنان از حقوق اساسی سیاسی در کشور بهره مند گردیده است.

اولین حق سیاسی زنان بر خوردار بودن از حق مدیریت سیاسی بوده که در نتیجه زنان می توانند در بلند ترین مقام سیاسی (ریاست جمهوری) با در نظر داشت شرایط قانونی مثل مردان نامزد آن شود و به تصدی این مقام نایل آید در این مورد قانون اساسی افغانستان بدون در نظر گرفتن جنسیت و بدون نظر گرفتن شرایط قانونی اعم از مردوزن راه صورت مساوی شایسته این مقام اعلان می کند. همچنان در سایر مراجع میتوانند مثل شرکت در پارلمان که بزرگترین مرجع تقنینی کشور است می تواند در انتخابات آن شرکت کرده، و مورد گزینش واقع شوند در نتیجه در امر قانونگذاری سهم شونده. حق دیگری را که میتوان نامبرد از آن حق شرکت کردن زنان در انتخابات عمومی است که در این جا هم شرایط مساوی قانونی برای زنان و مردان به شرکت در انتخابات در نظر گرفته شده است که در نتیجه زنان مثل مردان حق انتخاب کردن را دارد و می توانند در انتخابات آزاد شرکت کرده و نامزد مورد نظر خویش را بدون کدام محدودیت جنسیتی انتخاب کنند.⁸ و دیگر حقوق آنان عضویت زنان در سازمانها شبه سیاسی است مثل عضویت در احزاب سیاسی (سازمانهای فعال سیاسی) و سازمانهای انفعالی (مثل اتحادیه ها) که در این صورت زنان می توانند در احزاب سیاسی و امثال هم عضویت داشته باشند طوریکه ما شاهد هستیم در کلیه اساسنامه های احزاب سیاسی محدودیت در عضویت زنان دیده نمی شود. همچنان در سایر موارد می بینیم که محدودیت در شرکت زنان، که حق مسلم آنان است وجود ندارد مثل آزادی اجتماعات (تظاهرات...) که زنان آزادانه می توانند در تظاهرات شرکت کنند و حقوق که مدعی آن شدند به صورت آزادانه خواهان آن شوند. همانطور شرکت در مباحث سیاسی، گفتارها که از این طریق زنان نخبه می توانند به نمایندگی نیمی از پیکر جامعه ابراز عقاید کنند و دید گاهای شان را در موضوعات سیاسی مطرح کنند ودر مسایل سیاسی سهم شوند.

در نتیجه زنان از تساوی حقوق در عرصه های مدنی و سیاسی در کشور بر خوردار بوده و از این طریق میتوانند در امور سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شرکت و رزیده ودر ثبات این زمینه ها نقش فعال داشته باشند.